

خلیج فارس یا خلیج تونکین!

در پس حادثه تنگه هرمز

tahmoures_kiani@yahoo.com

تهمورس کیانی، سیاتل (ایالات متحده)

نفتی ایران موجب خسارت جدی به آنها شدند. بیش از ده سال زمان، و هزینه فراوان، لازم بود تا سپاه پاسداران دوباره نیروی دریایی خود را - اگر چه بسا با تجربه تر و قوی تر- بازسازی کند. حادثه سوم؛ در تابستان ۱۹۸۸ یک ناو آمریکایی هوایمای مسافربری هما را با موشک کروز هدف قرار داد و همه ۲۹۰ مسافر آن هوایمیا را به قتل رساندند. در آن زمان، نیز، ایالات متحده نخست گفت یک هوایمای نظامی را هدف قرار داده است، سپس گفت هوایمای ایرانی خارج از کریدور هوایمهای غیر نظامی بوده است و به درخواست های رادیویی پاسخ نداده است. بنا به گزارشات بعدی واشنگتن پست، هر دو مورد دروغ بود، و بعداً معلوم شد که درخواست های رادیویی روی فرکانس نظامی بوده اند که هوایمای مسافربری به آن دسترسی نداشتند. تحقیقات بعدی نشان داد ناو آمریکایی مقصر بوده است. اکنون، به رغم آنکه ایران این مسئله را کاری عادی در خلیج فارس اعلام کرده است، مقامات آمریکایی هر روز با فاش کردن نکته تازه ای

کردند تا فضا را آرام کرده و یکوشند آن را از طریق کانال های غیر رسمی موجود بین دو کشور حل و فصل کنند. سخنگوی وزارت خارجه این کشور اعلام کرد که بسیار غیر محتمل است که این کشور رسماً از ایران به سازمان ملل شکایت کند. او گفت حداکثر به اعتراضی از رهگذر سفارت سوئیس اکتفا خواهند کرد.

بنابراین، نخست به نظر می رسد کانال های غیر رسمی موجود بین دو کشور، که مدتی است فعال شده اند، به دو کشور این توان را داده است تا از افزایش تنش به سبب این حادثه جلوگیری کنند. اکنون، اما، پرزیدنت جرج بوش این حادثه را دستاویز کرده و تهدید ایران را به موضوع اصلی سفر خود تبدیل کرده است. بنابراین، پرسش اصلی این است که آمریکایی ها واقعا چه هدفی را از بزرگ کردن این حادثه دنبال کرده و چرا کوشیده اند این حادثه را بسی بیشتر از آنچه بوده است با اهمیت نشان دهند. آنطور که وزارت دفاع ایالات متحده همین دیروز فاش ساخته است، نیروی دریایی این کشور در حادثه ای حساس تر از این یکی، در دسامبر گذشته، حتی به شلیک تیرهای هشدار دهنده به قایق های ایرانی مبادرت کرده است. آنها، اما، در آن زمان حتی خبر آن را منتشر نکردند. نگاهی دقیق به این فرایند روشن می کند که این تناقض گویی و آنهمه جنجال خبری نمی تواند اتفاقی و از روی سهو بوده باشد. به نظر نگارنده، هر دو کشور ایران و ایالات متحده



درباره آن در صداند آن را همچنان زنده نگه دارند. آدмирال مایک مولن رئیس ستاد ارتش ایالات متحده گفت این حادثه نشانه تغییر در استراتژی نظامی ایران میباشد. او گفت که پنتاگون در چند سال گذشته روی این تغییر استراتژی و به کارگیری قایق های کوچک کار کرده است. بنابراین، او کوشید کار قایق های ایرانی را تمرینی نظامی و برنامه ریزی شده جلوه دهد. شوکان ها نیز از فرصت بدست آمده سود جست و آن را برنامه ای که در تهران طراحی شده تفسیر کرده و حتی آن را نوعی تمرین حادثه حمله انتحاری به ناو آمریکایی کوول در ساحل یمن معرفی کردند. این در حالی است که ایران هیچ سابقه حمله انتحاری، خاصه به وسیله قایق، ندارد و این حادثه در آبهای مرزی او صورت گرفته است. از سوی دیگر، اکنون تقریباً معلوم شده است که گزارش دولت ایران از این حادثه بیشتر به واقعیت نزدیک بوده است تا تفسیری که آمریکاییان از آن بازتاب دادند. آخرین گزارشات از وزارت دفاع ایالات متحده، خبر انداختن جعبه های سفید رنگ از سوی ایران را به آب در معرض تردید جدی قرار داده است. اکنون، به گزارش واشنگتن پست، سخنگوی نیروی دریایی ایالات متحده می گوید "آنان نمی دانند که صداهای تهدید آمیز از قایق های ایرانی بوده اند یا از جایی دیگر آمده اند. شاید تهدیدی برای یک کشور دیگر باشد یا هزاران چیز دیگر". همچنین، به گزارش رابین رایت از واشنگتن پست، "فارسی زبانان و برخی ایرانیان به واشنگتن پست گفته اند که لهجه صداهای پخش شده ایرانی به نظر نمی رسند". به رغم این، اما، همه مقامات پنتاگون و دولت جرج بوش هنوز تاکید می کنند که این شک و تردید موجب آن نمی گردد تا خطرناک بودن این عمل ایران دست کم گرفته شود. برخی مقامات وزارت خارجه ایالات متحده در روزهای نخست تلاش کوچکی

کند. بر همین اساس، هشام ملحم مسئول تلویزیون العربیه در واشنگتن و خبرنگار النهار می گوید هدف اصلی بوش از سفر خاورمیانه ای او متحد کردن اعراب بر ضد ایران و ایجاد فشار تازه ای بر این کشور است تا از آثار این گزارش کاسته گردد. از سوی دیگر، ایران در مواجهه با این تلاش تازه آمریکاییان، ممکن است خواسته باشد با نشان دادن حاکمیت خود بر تنگه هرمز به همه، خاصه آمریکاییان، نشان دهد که - به گفته رابرت بیر از هفته نامه تایم- بی سبب نیست که نام این منطقه آبی خلیج فارس است و ایران می تواند در هر زمان تنگه را، که به گفته سر آرنولد ویلسون کیسوسنر استمارات بریتانیا "چه در گذشته و چه در حال هیچ کانال آبی به اندازه آن برای زمین شناسان و سیاستمداران و پژوهشگران مهم نبوده است" و هم اکنون بیش از چهل درصد نفت دنیا از آن میگذرد، نا امن سازد.

ایران، البته، قصد تنش و درگیری با ایالات متحده نداشت و به خوبی می داند در هر درگیری نظامی محتمل، در جهان تک قطبی که ایالات متحده تنها ابر قدرت آن است، بازنده نهایی آنان خواهند بود. اگر چه ایران بسی بیشتر از آخرین سالهای جنگ با عراق قدرت دارد، اما نباید از یاد برد که در هر حال موازنه قوای نظامی کاملاً به سود ایالات متحده است. ایالات متحده، نیز، میدانند که به رغم قدرت نظامی برتر خود، به شدت به همکاری ایران در عراق نیازمند است. همچنین، این کشور می داند که گیر کردن در عراق، بحران تازه اقتصادی، مخالفت شدید هر دو حزب با جنگی جدید، و ناکامی های دیگر در منطقه اجازه رویارویی همه جانبه با ایران را بدان نمی دهد. دولت جرج بوش به شدت از سوی حزب جمهوریخواه تحت فشار است تا در یک سال باقی مانده بتواند با حل نسبی مسئله عراق یکی از برگ های برنده دموکرات ها را در انتخابات آینده از آنها بگیرد. آنان، از سوی دیگر، به تجربه دریافته اند که دولت جمهوری اسلامی ایران هر گاه دریا بد آمریکاییان در موضع ضعف هستند، به سبب اختلافات درونی و فشار برخی گروه های تندرو، تن به مذاکره و توافق نخواهد داد. بنابراین، در صداند تا فشار را بر ایران پیوسته نگاه دارند. تلاش های اخیر و جنجال حادثه خلیج فارس از سوی ایالات متحده می تواند تند بیچی در مسیر مذاکره آتی دو کشور محسوب گردد. سرانجام، اگر چه عمر مستعجل دولت جرج بوش می تواند عاملی باشد که به سود ایران عمل کند، این تنها یک سوی قضیه است. او و معاونش قرار نیست در انتخابات بعدی شرکت کنند. هیچکدام از نامزدهای انتخاباتی نیز مورد پشتیبانی ویژه او نیستند. او به عراقی با ثبات به مثابه تنها میراث سیاسی خود می نگرد و در صدد است در نیمه دوم امسال بخشی از نیروهای نظامی را به نشانه این موفقیت به کشور بازگرداند. او اکنون آشکارا دست از آرزوهای پیشین خود برای "تبدیل عراق به سکوی پرشی برای ایجاد دموکراسی لیبرال در خاورمیانه" دست شسته است. هدف او اکنون عراقی با ثبات و دوست ایالات متحده است، حتی اگر این ثبات به بهای توافق با یکی از "اعضای محور شرارت" بدست آید. بنابراین، او به شدت نیازمند همکاری ایران برای رسیدن به این هدف است. از سوی دیگر، اما، برخی از جناح های جنگ طلب، و برخی از کشورهای منطقه و خاصه اسرائیل، از آن بیم دارند این مسئله موجب عادی شدن روابط بین دو کشور شده و آنها بازنده این قمار کردند. آنها از قدرت بزرگی در سیستم ایالات متحده برخوردارند و چنین رئیس جمهوری نشان داده است که به شدت مستعد دست زدن به قمارهای خطرناک و محاسبات فاجعه آمیز است. بنابراین، از هر سو به موضوع بنگریم در خواهیم یافت که این دوازده ماه حساس ترین دوره در روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده می تواند باشد. هر گونه محاسبه غلط از سوی جمهوری اسلامی می تواند موجب به هم خوردن همه معادلات کنونی که تا حدی به سود آنهاست گردد. در دوران جنگ سرد، حادثه مشابهی بین ایالات متحده و اتحاد شوروی موجب گشت تا آنان مبادرت به امضای پیمان دریایی برای جلوگیری از رخدادهای مشابه در آینده کنند. اکنون نیز برخی از کارشناسان نظامی - سیاسی به دو کشور ایران و ایالات متحده پیشنهاد کرده اند تا دوباره پیمانی مشابه در منطقه حساس خلیج فارس اقدام کنند.

اخبار روز: از هر سو به موضوع بنگریم در خواهیم یافت که این دوازده ماه حساس ترین دوره در روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده می تواند باشد. هر گونه محاسبه غلط از سوی جمهوری اسلامی می تواند موجب به هم خوردن همه معادلات کنونی که تا حدی به سود آنهاست گردد... به جرأت می توان گفت پس از سال ۱۷۶۳، سالی که ناو جنگی بریتانیا برای نخستین بار از تنگه هرمز گذشت تا با ورود به خلیج فارس موجب سلطه غرب بر یکی از مهمترین آبها و برهه های جهان گردد، این نخستین باری بود که ورود ناوهای جنگی یک قدرت درجه نخست جهانی در بدو ورود به چالش گرفته می شود. رویارویی قایق های نظامی جمهوری اسلامی ایران با چند ناو آمریکایی در تنگه هرمز، دوباره خبرهای مربوط به کشمکش ایران و ایالات متحده را، که موقتاً پس از بحران پاکستان و ترور بی نظیر به حاشیه رانده شده بود، به یکی از خبرهای اصلی رسانه ها تبدیل کرد. خبر برای نخستین بار از سی ان ان پخش شد، سپس ناوگان پنجم ایالات متحده اطلاعیه ای منتشر کرده و آنرا تأیید کرد. اکنون اما، معلوم شده است که بازتاب نخستین این حادثه در مطبوعات بین المللی تا حدی با مبالغه در باره اندازه و حد آن همراه بوده است تا آنرا بسی بیشتر از آنچه بوده است، تحریک کننده نشان دهند. در ایران، اما، واکنش رسمی دولت ایران، برخلاف رویه پیشین این دولت در باره حادثه بازداشت ملوانان بریتانیایی، تلاش برای بی اهمیت نشان دادن این حادثه بود. در حادثه ملوانان بریتانیایی، ایران کوشید با مانورهای خبری ماهیتی کاملاً نظامی به حادثه داده و مکرراً از تجاوز قایق بریتانیایی به خاک ایران سخن به میان آوردند. سخنگوی وزارت خارجه ایران اعلام کرد یک حادثه عادی بوده است. در گزارش ایران هیچ نشانی از "جعبه های سفید"، که بنا به گزارش طرف دیگر در آب انداخته شده اند، نیست. همه سالهای گذشته شاهد برخی تنش ها و برخوردها بین جمهوری اسلامی و ایالات متحده بوده اند، این بار، اما، برخلاف اغلب موارد، ایالات متحده بیشتر می کوشد ابعادی فراتر از واقعیت به حادثه دهد بزرگ کردن مبالغه آمیز حادثه و تاکید مکرر بر آن، تداعی کننده برخی حوادث تاریخی مشابه می باشد. تاریخ به ما می آموزد حوادثی در اندازه حادثه کوچک مزبور مسبب و زمینه ساز وقایع بزرگ بعدی بوده اند. حادثه نخست؛ در سال ۱۹۶۵ زمانیکه دولت جانسون در صدد بود بر مخالفت کنگره برای گسترش جنگ در جنوب ویتنام، به ویتنام شمالی فائق آید، یک حادثه کوچک را دستاویز قرار داد. این حادثه پس از آن فصلی از اغلب کتاب های تاریخ و علوم روابط بین المللی اخیر ایالات متحده و جهان را به خود اختصاص داد و به نماد سوء استفاده یک دولت از هر حادثه واقعی یا ساختگی برای فریب افکار عمومی تبدیل شد. در آن روز دو قایق کوچک تندرو ویتنام شمالی با مانور در آبهای ساحلی خود در خلیج تونکین کمی به ناوهای آمریکایی نزدیک شدند. آمریکاییان یکی از قایق ها را نابود کرده و دیگری نیز از معرکه گریخت. دولت وقت ایالات متحده، اما، این حادثه را بیش از اندازه بزرگ کرد و از آن به مثابه سندی برای نشان دادن "خطر و تجاوز" ویتنام شمالی استفاده کرد و روز بعد موافقت کنگره را برای گسترش جنگ به شمال به دست آورد. حادثه دوم؛ در هیجدهم آوریل ۱۹۸۷، در اوج جنگ نفتکش ها، و در زمانیکه ایالات متحده مصمم به دخالت در جنگ به سود عراق گشته بود، در حالیکه برخی کشتی های نفتی کویتی با پرچم ایالات متحده در حال عبور از خلیج فارس بودند، نیروهای دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آنها را مورد حمله قرار داد. آن حادثه موجب درگیری نیروی دریایی سپاه پاسداران و ناوهای آمریکایی شد. درگیری ۱۲ ساعت به درازا کشید. در پایان، نیروی دریایی سپاه بخش عمده ناوهای خود را از دست داد. آمریکاییان همچنین در آن حادثه با حمله به سکویهای

برای درج آگهی در یلوپج ایرانیان شمال کالیفرنیا سال ۲۰۰۸ از هم اکنون اقدام نمایید.

What makes Pezhvak of Persia® Unique & different from our Competitors?

1- Circulation (8,000 Copies):

Pezhvak of Persia is the only publication in Northern California with 8,000 in circulation.

2- Direct Mailing (4,000 Subscribers):

Pezhvak of Persia is the only publication in Northern California with direct mailing to more than 4,000 Iranian household and businesses per month.

3- Available on the Internet:

The entire 44 pages of Pezhvak's monthly publication, including advertisements, are available on-line at www.pezhvak.com where it gets more than 75,000 hits per month.

4- Rich & Informative Content:

Pezhvak of Persia with more than 17 years serving Iranian-American community, is famous in Northern California for its coverage of political, social, and cultural news of Iran. This is brought about by the excellent work of more than ten well-known writers who most of them write exclusively for Pezhvak of Persia.

5- Popularity:

This unique publication is recognized not only by the majority of Iranians, but also distinguished by non-Iranian news media.

6- Recognition:

In February 2006, one of Pezhvak the article in Pezhvak of Persia monthly paper was chosen by more than 40 judges, from different ethnic media, as a runner up in the ENVIRONMENT & NATURAL RESOURCES category. It also received recognition from New America Media, Congressman Tom Lantos and Mayor of San Francisco Gavin Newsom.

با شرکت پژواک تماس بگیرید. (۴۰۸) ۶۱۵-۱۰۳۰

